

اعترافات سارق موزه شاهنعمت‌الله ولی که پس از پیگیری‌های «پیام‌ما» دستگیر شد

قرآن‌های تاریخی

طلاکوب

در ازای بدهی

مرد ۴۲ساله پشت به دوربین هنوز نمی‌داند قانون برای مجازاتش چه تصمیمی می‌گیرد، اما می‌داند که مشکلات مالی‌اش همچنان پابرجاست. او در اظهاراتش درباره اینکه سرقت را به چه شکل انجام داده و چطور توانسته بعد از سرقت خونسرد و بدون ذره‌ای شتابزدگی یا نگرانی، کتاب‌ها را با پای پیاده در خیابان‌های شهر حمل کند و به خانه برساند، چیزی نگفته است.

۲

عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران در گفت‌وگو با «پیام‌ما»

ایمنی عکاسان
اتوبانی بدون گاردریل

۲



«مهری بوجار» از ضرورت ساختارهای حمایتی برای زنان می‌گوید

مادران حفاظتگر
در منگنه انتظارات سنتی

یکی از موانع مهم حضور فعال زنان، به‌ویژه مادران، در حوزه محیط‌زیست و فعالیت‌های میدانی، فشارهای اجتماعی و انتظارات سنتی است. این فشارها باعث می‌شود بسیاری از زنان توانمند، به‌دلیل قضاوت‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی، از حضور یا ادامه فعالیت در این مسیر منصرف شوند

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

درس‌هایی از فاجعه چاه کوه‌دشت

زندگی در «اقتصاد بقا»



هزار چندانگی در کشور ما حادثی رخ می‌دهد که در عمق خود بحران‌ها و ضعف‌های ساختاری ریشه‌داری را آشکار می‌سازند. پرسش کلیدی همواره این است که آیا از این بحران‌ها درس آموخته و عبرت‌گیری لازم صورت می‌گیرد؟ حادثه تلخ و تکان‌دهنده خفه شدن متوالی هفت نفر در یک چاه در شهر کونانی از توابع شهرستان کوه‌دشت، یکی از این وقایع بود که شوکی بزرگ به جامعه وارد کرد و سوالات جدی‌ای را در سطوح مختلف مطرح ساخت. جدا از ابعاد انسانی و داعی که بر دل خانواده‌های داغدار نشست، این فاجعه پرسشی محوری را پیش می‌کشد: چرا زندگی در چنین مناطقی، و تلاش روزمره برای معاش یا حتی اقدام فداکارانه و تحسین برانگیز این افراد برای نجات جان همسایه، باید به قربانی کردن جان خود و چنین فرجام ترازکی منجر شود؟ چرا در این جوامع، زندگی روزمره با چنین سطح بالایی از ریسک همراه است؟



| مجتبی ترکرانی |

| جامعه‌شناس توسعه |

تیم پژوهشی محلی متشکل از فعالان علمی، مدنی، رسانه‌ای و جامعه‌شناسی (آقایان حاجعلی شرفی، کیانوش رستمی، امیر منصوری، حمزه فیضی پورو و مجتبی ترکرانی) با هدف درک عمیق‌تر این حادثه، از منطقه بازدید کرد تا هم روایت اصلی را مستقیماً از زبان خانواده قربانیان و مطلعین محلی جویا شود و هم شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر منطقه را از نزدیک مشاهده کند. یافته‌های این سفر میدانی، تحلیلی جامعه‌شناختی از ابعاد پنهان‌تر این فاجعه ارائه می‌دهد:

📌 **نارسایی روایت‌های رسمی**

روایت‌های اولیه‌ای که در رسانه‌ها و عرصه

عمومی منتشر شد، اغلب بر مبنای گزارشات رسمی مدیران استانی و شهرستانی بود که شد، حدود دو ساعت به طول انجامید. به گفته شاهدان عینی، در تمام این مدت نه تنها شهرداری شهر کونانی فاقد امکانات اولیه امداد و نجات بود، بلکه هیچ امکاناتی نیز از شهرهای مجاور مانند کوه‌دشت یا حتی مرکز استان به سرعت به محل اعزام نشد. در نبود نیروهای امدادی متخصص و تجهیزات حداقلی نظیر کیپسول اکسیژن، طناب نجات، یا بالابر، افراد محلی با اتکا به حس مسئولیت‌پذیری و بدون تجهیزات لازم، جان خود را برای نجات دیگران به خطر انداختند.

حادثه در حدود ساعت ۵:۳۰ عصر آغاز شد و تا ساعت ۷:۳۰ عصر که آخرین قربانی وارد چاه شد، حدود دو ساعت به طول انجامید. به گفته شاهدان عینی، در تمام این مدت نه تنها شهرداری شهر کونانی فاقد امکانات اولیه امداد و نجات بود، بلکه هیچ امکاناتی نیز از شهرهای مجاور مانند کوه‌دشت یا حتی مرکز استان به سرعت به محل اعزام نشد. در نبود نیروهای امدادی متخصص و تجهیزات حداقلی نظیر کیپسول اکسیژن، طناب نجات، یا بالابر، افراد محلی با اتکا به حس مسئولیت‌پذیری و بدون تجهیزات لازم، جان خود را برای نجات دیگران به خطر انداختند.

📌 **پذیرش ریسک‌های پرخطر**

بخش قابل توجهی از زندگی در مناطقی مانند کوه‌دشت بر مبنای نوعی اقتصاد بقا (Survival Economy) استوار است. این اقتصاد که حتی از اقتصاد معیشتی نیز پایین‌تر قرار می‌گیرد و غالباً غیررسمی است، افراد را وادار می‌کند تا برای تأمین حداقل نیازهای زندگی خود، وارد فعالیتهایی با ریسک بسیار بالا شوند که هم جان خود و اطرافیان‌شان را به خطر می‌اندازد اقتصاد بقا وضعیت نظاممند در جوامع توسعه‌نیافته است که در آن، به دلیل ضعف یا فروپاشی اقتصاد رسمی و فقدان فرصت‌های شغلی پایدار و ایمن، فعالیت‌های معیشتی پرخطر و اغلب غیررسمی به عنوان تنها راه تأمین حداقل نیازهای زندگی جایگزین می‌شوند. گستردگی مشاغل فاقد چارچوب قانونی و حمایت‌های اجتماعی، افراد را برای بقا وادار به پذیرش ریسک‌های جدی، حتی مرگبار می‌کند. این سطح از ریسک‌پذیری نسبت مستقیمی با عمق فقر و نسبت معکوسی با دسترسی به فرصت‌های شغلی رسمی و امن دارد. وابستگی شدید به منابع طبیعی در حال تخریب (مانند برداشت بی‌رویه از منابع آبی) و تشدید بحران‌های زیست‌محیطی، از دیگر ویژگی‌های این اقتصاد است. این شرایط غالباً به چرخه‌ای معیوب از فقر و مهاجرت منجر می‌شود. پدیده‌هایی مانند «شوتی‌گری» (قاچاق کالا)، «کولبری»، قاچاق مواد غیرقانونی، و حتی کشت گیاهان غیرقانونی مانند خشخاش، نمونه‌هایی از فعالیتهای ذیل اقتصاد بقا در مناطق مختلف کشور هستند. این مفهوم توصیفی است که از ترکیب حوزه‌های نظری مانند جامعه‌شناسی اقتصادی، اقتصاد توسعه، و مطالعات فقر شکل گرفته و نشان‌دهنده ناتوانی ساختارهای حاکمیتی در ایجاد امنیت شغلی و ارائه خدمات حمایتی مؤثر است.

📌 **شکل‌گیری «فرهنگ بقا»**

زندگی در چارچوب اقتصاد بقا، به تدریج نوعی فرهنگ بقا را در افراد شکل می‌دهد. این فرهنگ که با هنجارهای یک زندگی آرام و پایدار در تضاد است، باعث کاهش گزینه‌های امن و پایدار در دسترس افراد شده و آن‌ها را به سمت انتخاب‌های پرریسک و گاهی از منظر «بیرونی‌ها» غیرمنطقی سوق می‌دهد. همبستگی بسیاری از رفتارهای افراد فقیر و ساکنان این مناطق، مانند حادثه مرگ هفت نفر در یک چاه ممکن است برای ناظران بیرونی قابل فهم نباشد و برچسب «غیرمنطقی» بخورد. اما آنچه اهمیت دارد این است که ساختارهای محدودیت‌زا و فقر اقتصادی، به تدریج گزینه‌های پیش روی ساکنان را محدود کرده و آن‌ها را به سمت رفتارهای پرخطر و ناایمن سوق می‌دهد. در چنین شرایطی است که افراد، برای

نجات اعضای خانواده یا دوستان خود، فداکاری و گذشتی در سطح جان خود نشان می‌دهند؛ فداکاری‌ای که ریشه در همبستگی محلی دارد اما در بستر فقدان امکانات ایمنی، به قیمت جان‌شان تمام می‌شود.

📌 **تقلیل‌گرایی در تبیین حادثه**

متأسفانه، نوعی تقلیل‌گرایی در زبان برخی مسئولین و حتی بخشی از افکار عمومی وجود دارد که با تقلیل علت مرگ قربانیان به «بی‌احتیاطی» یا «رفتارهای غیرمنطقی» خودشان، مسئولیت را متوجه افراد کرده و از مسئولیت‌های مستقیم و غیرمستقیم ساختار در ایجاد شرایط ایمن و کاهش ریسک طفره می‌روند. در حادثه چاه کونانی نیز، گرچه ممکن است در نگاه اول قرار دادن پمپ بنزینی در ته چاه یک خطای فردی به نظر برسد (که از نظر فنی، همانطور که توضیح داده شد، منجر به تولید گازهای سمی و مصرف اکسیژن و ایجاد محیط مرگبار می‌شود)، اما وقتی عمیق‌تر نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم نقش ساختارها را در عدم فراهم کردن امکانات و تجهیزات ایمنی و درمانی لازم در این مناطق نادیده بگیریم. این امکانات می‌توانستند به عنوان «عوامل محافظ» عمل کرده و مانع از آن شوند که خطای یک انسان به بهای گشته شدن هفت نفر تمام شود. همانطور که مردم محلی تأکید می‌کردند، اگر امکانات اولیه وجود داشت، حداقل سه نفر از قربانیان امکان زنده ماندن داشتند. ساختارها نه تنها می‌توانند از وقوع برخی حوادث پیشگیری کنند، بلکه می‌توانند جلو پیامدهای فاجعه‌بار حوادث را نیز بگیرند.

📌 **راهکارهای سیستمی:**

اظهارات مردم محلی و خانواده‌های قربانیان، انگشت مسئولیت‌پذیری را از «بی‌احتیاطی فردی» یا «کم‌گامی» افراد به سمت کوتاهی سیستمی در تأمین حداقل‌های ایمنی و امداد و نجات نشانه می‌رود. این نشان می‌دهد که چگونه ضعف ساختاری در سطوح بالای حکمرانی (شامل نابرابری در توزیع امکانات و عدم تخصیص منابع کافی به مناطق توسعه‌نیافته، ضعف نظارت مؤثر بر عملکرد دستگاه‌های دولتی در خدمات‌رسانی، و عدم اولویت‌بندی جان مردم در مناطق محروم) در نهایت به فاجعه در سطح محلی و از دست رفتن جان انسان‌ها منجر می‌شود. بنابراین، در تحلیل جامعه‌شناختی، این حادثه بیش از آنکه روایتگر «بی‌احتیاطی» افراد باشد، روایتگر ناکامی سیستم در ایجاد شبکه‌های ایمنی و حمایتی لازم برای شهروندان خود است. به ویژه در مناطقی که به دلیل مشکلات ساختاری (مانند فقر، بحران آب، و مشکلات اقلیمی)، مردم ناچار به پذیرش ریسک‌های

نگاهی به فیلم

«یادداشت‌های زیرزمینی» با پرداختن به معضلات فرزندان نامشروع

جرم‌شان این است
تولد!

۸

هشدارهایی درباره فاجعه‌های خاموش

آتش بی‌مهتری به جان
بازارهای تاریخی

۴

نگاهی به رویدادهای مد و فشن که با وجود نوآوری، هنوز در اجرا و محتوا ضعیف است

فشن ایرانی

بازتاب امید و آشفستگی

۶

یادداشت

درس‌هایی از فاجعه چاه کوه‌دشت

زندگی

در «اقتصاد بقا»



| مجتبی ترکرانی |

| جامعه‌شناس توسعه |

یادداشت

رسیدن به آینده سبز

با مد پایدار



| خاتون شهبازی |

| تسهیلمگر و توسعه‌دهنده مد پایدار |

بالتری در زندگی روزمره خود هستند. برای پیشگیری از تکرار چنین فجایعی، نقش سیستم حکمرانی ملی (محلی) حیاتی است و باید در دو محور اصلی عمل کند:

۱. حذف یا کاهش شدید نیاز به «کارهای خطرناک و مرگبار»: مهمترین نقش سیستم، از تبیین بردن ریشه‌های اقتصاد بقا است. این یعنی رفع فقر، ایجاد فرصت‌های شغلی سالم، پایدار و ایمن در محل زندگی افراد، مدیریت پایدار منابع (به ویژه آب) و تأمین نیازهای اولیه. وقتی گزینه‌های ایمن و شرافتمندانه برای زندگی وجود داشته باشد، کمتر کسی مجبور به پذیرش ریسک‌های مرگبار می‌شود. سیستم با پرداختن به این مسائل ساختاری، افراد را از قرار گرفتن در موقعیت‌های ناگزیر و پرخطر خارج می‌کند.

۲. ایجاد شبکه‌های ایمنی و حمایتی و مدیریت پیامدها: حتی با رفع ریشه‌ها، حوادثی ممکن است رخ دهد. سیستم باید اطمینان حاصل کند که:

امکانات و تجهیزات اولیه امداد و نجات (نظیر ایستگاه آتش‌نشانی مجهز، کیپسول اکسیژن، تجهیزات نجات در ارتفاع و فضاهای بسته) به صورت عادلانه در تمام مناطق، حتی کوچکترین شهرها، توزیع شده و نگهداری شود.

آموزش‌های لازم در خصوص ایمنی کار (به ویژه در فضاهای بسته و چاه‌ها) به صورت مستمر و با روش‌های متناسب با فرهنگ محلی ارائه شود.

نظارت جدی بر فعالیت‌های پرخطر (مانند حفر و استفاده غیرمجاز از چاه‌ها یا استفاده از تجهیزات ناایمن) وجود داشته باشد و با متخلفین برخورد قانونی شود.

زیرساخت‌های لازم (مانند دسترسی به آب شرب سالم که نیاز به چاه‌های پرخطر را کاهش دهد) فراهم گردد.

سیستم‌های امداد و نجات در هنگام حادثه، آمادگی و تجهیزات کافی برای واکنش سریع و ایمن را داشته باشند تا خطای یک نفر به بهای جان چندین نفر تمام نشود.

حمایت‌های روانی و اجتماعی لازم پس از حادثه به خانواده‌های قربانیان ارائه شود. فراهم کردن امکان اشتغال سالم و پایدار و ایمن در محل زندگی افراد و ایجاد یک ایستگاه آتش‌نشانی مجهز با تجهیزات تقویت‌کننده و نجات، نه یک کالای لوکس، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر و حداقلی مسئولیت حکمرانی برای حفظ جان انسان‌ها است. این حادثه بار دیگر تأکید کرد که برای پیشگیری از تکرار چنین فجایعی، باید از تحلیل‌های تقییرگرا و سرنوشت افراد فراتر رفت و به سوی اصلاحات ساختاری عمیق در حوزه اقتصاد، توزیع منابع، آمایش سرزمین، مدیریت بحران و ایجاد شبکه‌های ایمنی مؤثر حرکت کرد.



تخریب بازار

هشدارهایی درباره فاجعه‌ای خاموش

آتش بی‌مهری به جان بازارهای تاریخی

فقدان ایمنی و اختلاف و ناهماهنگی بین نهادهای مسئول، بازارهای ارزشمند و تاریخی ایران را در براخطر آتش‌سوزی و تخریب جدی قرار داده است



انرگس معینی کربکندی |

| خبرنگار|

یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای بازارهای تاریخی، پدیده فرونشست زمین در شهرهایی مانند اصفهان و تهران است که می‌تواند منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر در سازه‌های تاریخی و زیرساخت‌های بازارها شود. هم‌زمان، نبود ایمنی کافی در برابر آتش‌سوزی، نوسانات برق و تراکم بالای جمعیت نیز بر میزان آسیب‌پذیری این فضاها افزوده است. علاوه‌براین، ورود غیرمجاز به حریم بازارها و ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه، نه‌تنها منظر تاریخی و معماری بازارها را مخدوش کرده، بلکه روند مرمت و حفاظت اصولی را نیز با دشواری‌هایی مواجه کرده است. در چنین شرایطی، نبود هماهنگی کافی میان دستگاه‌های مسئول و نبود مشارکت فعالانه برخی از مالکان و کسبه در فرایند نگهداری بازار، بر پیچیدگی مسئله افزوده است. حال این پرسش مطرح

می‌شود که آیا می‌توان با مشارکت میان‌نهادی، بازارهای تاریخی را هم‌زمان از آسیب‌های محیطی و انسانی مصون داشت و کارکرد اصیل آنها را حفظ کرد؟

نصف جهان و بازار نیمه‌جانش

براساس گزارش‌های رسمی، اوضاع نابسامان بازار تاریخی اصفهان، ایمنی ۱۰ هزار واحد صنفی فعال در این بازار ۴۰۰ساله را تهدید می‌کند. «امیر کرم‌زاده»، رئیس میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان در گفت‌وگو با «پیام‌ها» درباره مشکلاتی که بازار اصفهان با آن دست‌به‌گریبان است، می‌گوید: «در سال گذشته، سه ایستگاه آتش‌نشانی و تعداد زیادی کیسول آتش‌نشانی توسط سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خریداری و در بازار مستقر شده‌اند. این اقدامات در راستای

پیش‌بینی و آمادگی برای حوادث احتمالی انجام شده است تا از بروز خسارات گسترده جلوگیری شود.
بالی‌ن‌حال، بحث ایمن‌سازی بازار تاریخی آسیب وارد نکرد.»
ملکی در مورد تایید سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی باشد، هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است. در بازدیدی که از بازار با حضور هیئت‌امنای بازار، شهردار منطقه و سایر مسئولان انجام شد، مقرر شد جلسه‌ای با رسیدن به یک جمع‌بندی نهایی و تقسیم وظایف میان نهادهاست تا ساماندهی مناسبی انجام گیرد و از تکرار حوادث و خسارات احتمالی جلوگیری شود.»

پدیده فرونشست یکی از تهدیدهایی است که در چندسال اخیر، بیشترین زمینه را برای آسیب بر پیکره تاریخی بازارهای ایران از جمله بازار اصفهان فراهم کرده است، کرم‌زاده

در راستای تهدید این پدیده گفت: «درباره موضوع فرونشست و تأثیرات آن بر بناهای تاریخی بازار مطالعاتی صورت گرفته و به سازمان مدیریت بحران کشور اعلام شده. همچنین، مطالعات تکمیلی در دست اقدام است تا با شناخت بهتر آسیب‌ها، از بروز حوادث بیشتر پیشگیری شود.»

او درباره برآورد هزینه‌های مرمت بازار تاریخی اصفهان گفت: «در حال حاضر، برآورد دقیقی از هزینه‌های لازم برای حفاظت و مرمت بازار وجود ندارد. بازار اصفهان حدود هشت کیلومتر وسعت دارد و به‌صورت مستمر بخش‌هایی از آن دچار آسیب‌هایی همچون ریزش و فرونشست می‌شود. این مجموعه به‌عنوان یک میراث تاریخی، نیازمند رسیدگی و مراقبت دائمی است. در بحث نورپردازی نیز مشکلاتی وجود دارد و برخی از مغازه‌داران، بدون رعایت اصول و استانداردها، در مقابل مغازه‌های خود لامپ کرده‌اند. همچنین، برخی مغازه‌ها که دچار ترک‌خوردگی یا آسیب در سقف شده‌اند، هنوز مرمت نشده‌اند. این موارد جزو اقداماتی است که باید در اولویت باشد. درنهایت، باید تأکید کرد هر فرد یا نهادی که در بازار فعالیت دارد، از جمله صاحبان مغازه‌ها، وظایفی برعهده دارند.»

ن آتش زیر خاکستر بازار تاریخی تهران

حدود چهار دهه از ثبت بازار تاریخی تهران در فهرست میراث ملی می‌گذرد، این بازار اما امروز بدلیل نایبمن بودن در معرض خطر است. «جلال ملکی»، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی، در گفت‌وگو با «پیام‌ها» درباره پیامدهای نایبمن بودن بازارهای تاریخی گفت: «گفته می‌شود ایمن‌سازی بازار مساوی است با تغییر در بافت تاریخی بازار. این حرف‌ها پنهان است؛ مگر قرار است چقدر

تغییر در بافت تاریخی بازار ایجاد شود. بازار در حال حاضر بافت تاریخی محدودی دارد و به‌راحتی می‌توان ایمنی را لحاظ کرد و به بافت تاریخی آسیب وارد نکرد.»
ملکی در ادامه تأکید کرد: «در بازار ساختمان‌هایی با قدمت بالا و معماری و نقش‌ونگارهای خیره‌کننده و کاشی‌های که اوج هنر را می‌توان در آنها دید، وجود دارد. متأسفانه امروز این بناها تبدیل به انبارها و مکانی برای افراد معتاد و بی‌خانمان شده‌اند که آتش روشن کرده و آن را رها می‌کنند که همین موضوع خطری بسیار بزرگ برای بناهای تاریخی محسوب می‌شود. با گاهی مشاهده می‌شود بناهای تاریخی و کاشی‌های آن را تخریب یا به پنده بناها آسیب وارد می‌کنند. حال اگر ارگانی مثل آتش‌نشانی برای حفاظت بازار وارد شود، سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اعلام می‌کند که اجازه چنین کاری را ندارند. اگر این رویه درست است، باید پرسید ایمنی مهمتر است یا حفظ میراث‌فرهنگی؟ به‌طور قطع، هر دو برای همه ما مهم هستند؛ اما اگر ایمنی لحاظ نشود، بیش‌ازپیش شاهد تخریب و آسیب در بازار و بناهای تاریخی خواهیم بود.»

ن ایمن‌سازی؛ حلقه مفقوده در حفاظت از بازارهای تاریخی

جلال ملکی با تأکید بر اهمیت ایمنی در بازارهای تاریخی گفت: «امکان نگهداری و حفاظت بناهای تاریخی در راستای ایمن‌سازی، با تعاملات میان سازمان‌های مربوطه بازار می‌تواند فراهم شود. بازاری که قلب تپنده اقتصادی کشور است و روزانه دو میلیون نفر در آن در حال تردد هستند، باید ایمن باشد. اگر حین ایمن‌سازی مجبور به تغییر در بافت تاریخی بازار شویم، با علم به اینکه این تغییرات جزئی موجب ایمنی و سالم باقی ماندن بقیه بافت تاریخی بازار می‌شود، چه باید کرد؟ اگر بر نگهداری بافت تاریخی و سنتی بازار بدون ایمنی مصر باشیم، در چنین موقعیتی تمامی بافت‌های تاریخی قربانی شعله‌های حریق خواهند شد.»

سیم‌کشی‌های غیراصولی که در بازارهای تاریخی تهران، اصفهان و دیگر شهرها با آن مواجه هستیم، نشان از وضعیت بحرانی بازارها و دالان‌ها دارد. به‌اعتقاد ملکی: «عامل اغلب آتش‌سوزی‌هایی که در چند سال اخیر در بازارها رخ داده، اتصال سیم‌های برق بود که در هر کدام حدود ۳۰ تا ۳۵ مغازه از بین رفت. اگر ایمنی وجود داشت، این حوادث اتفاق نمی‌افتاد. اگر ایمنی وجود نداشته باشد، تمام بافت‌های تاریخی مسقف بازار در خطر هستند. در بازار سیم‌کشی‌ها، سقف‌ها و شیروانی‌های قدیمی را مشاهده کنید؛ در داخل سقف‌های شیروانی پر شده از اجناس و کالاها، درحالی‌که کارکرد این سقف‌ها انبار کالا نیست. بعضی از کسبه بازار می‌گویند خودشان حاضرند هزینه ایمن‌سازی بازار را بپردازند، ولی با سازمان‌ها مشکل داریم. اگر این مشکلات و سنگ‌اندازی‌ها نباشد، خود بازاریان و کسبه بازار برای ایمنی بازار پیشقدم می‌شوند.»

او در ادامه به حفظ بافت تاریخی با توجه به ایمن‌سازی بازارها اشاره کرد و گفت: «ایمنی همراه با حفظ هویت بافت‌های تاریخی دغدغه همه سازمان‌های مربوطه است. زمانی که اعلام می‌شود صد درصد بافت‌های تاریخی باید حفظ شود و حتی نباید یک کاشی جابه‌جا شود، هیچ اتفاقی برای ایمن‌سازی بازار و بافت‌های تاریخی نمی‌افتد و سال‌ها به همین منوال ادامه خواهد داشت و با آتش‌سوزی‌ها بافت‌های تاریخی که قدمت فرهنگی دارند و سرمایه ملی محسوب می‌شوند، از دست می‌روند.»

ملکی همچنین درباره بناهایی که در همجواری بازار قرار دارند و از قدمت بالایی برخوردار هستند، گفت: «می‌توان آنها را مرمت و احیا و از آنها بهره‌برداری کرد، اما در حال حاضر همین بناها که در اطراف بازار هستند، وضعیت اسفباری دارند؛ تمام آنجا پر شده از زباله‌هایی که افراد بی‌خانمان رها کرده‌اند، یا همان‌طورکه پیش‌تر گفتم انبار اجناس بازاریان شده است.»
ملکی با تأکید بر اینکه تمامی تلاش‌هایی که برای ایمن‌سازی بازارهای تاریخی انجام می‌شود، باید با ملاحظات فرهنگی باشد، گفت: «اگر

ایمن‌سازی کامل در تمامی بافت بازارهای تاریخی صورت گیرد، می‌توان بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد بافت‌های تاریخی را حفظ کرد، اما اگر این اتفاق نیفتد، تمامی بافت‌های تاریخی قربانی شعله‌های آتش خواهند شد.» او اضافه می‌کند: «زمانی که ضریب ایمنی بالاتر رود، امکان حفظ بافت بیشتر است. برآوردها نشان می‌دهد ممکن است حین ایمن‌سازی ۱۰ درصد در بافت تاریخی تغییراتی لحاظ شود، اما در عوض مابقی بافت‌های تاریخی سالم باقی می‌ماند.»

او در ادامه به تشکیل کارگروه در راستای حفاظت هویت بافت‌های تاریخی بازار اشاره کرد و گفت: «ما توانستیم کارگروهی تشکیل دهیم که متشکل از نمایندگان آتش‌نشانی، سازمان میراث‌فرهنگی و شهرداری تهران و دیگر سازمان‌های متولی است. در این کارگروه ایمن‌سازی بازار از چالش‌ها و دغدغه‌های مهم است.»

بازار تاریخی تهران، سراسر و دالان‌به‌دالان همچون زنجیره‌ای بهم متصل است؛ سقف‌هایی که پوشیده شده است، انبارهای پر از کالا و ازدحام جمعیتی که روزانه به بازار رفت‌وآمد دارند. اگر آتش در دل دالانی جرقه بزند، تمامی بازار را می‌بلعد. ملکی با توجه به بافت و معماری بازار تهران و پیامد آتش‌سوزی در آن می‌گوید: «آتش‌سوزی در همه بازارها چالش‌های خاص خود را دارد؛ باریک بودن معابر، مسقف بودن بازار که باعث حس حرارت می‌شود و شلوغ بودن بازار و تراکم اجناس جلوی در مغازه‌ها که تردد را سخت می‌کنند و همچنین، اجناسی که در مسیر راه پله‌ها قرار دارد، وجود چرخ‌دستی‌ها و موتور سه‌چرخه‌ها که در حال تردد هستند. در حالت عادی حرکت مردم را سخت می‌کنند، ولی به زمانی که آتش‌سوزی اتفاق بیفتد. علاوه‌بر تمام اینها بناهای تاریخی در مقابل آتش‌سوزی بسیار ضعیف هستند.» او همچنین درباره امکانات و تجهیزات موجود در بازار تهران تأکید دارد: «در بازار تهران با توجه به شرایط موجود، خودروهای مخصوص مناطق و معابر محورهای کم‌عرض و باریک در بازار تعبیه شده است. در داخل بازار سه ایستگاه آتش‌نشانی داریم، چهار ایستگاه اطراف بازار را پوشش می‌دهد، یک ایستگاه روزانه ۸ میدان توپخانه قرار داده‌ایم از ۸ صبح تا شب آتش‌نشان آنجا مستقر هستند. زمانی که حادثه صورت گیرد، در عرض ۲ دقیقه خود راه به کمک دیگر ایستگاه‌ها برسانند. بیشترین شیره‌ای آب مخصوص آتش‌نشانی را در بازار تعبیه کرده‌ایم، موتورهای چهارچرخ در بازار قرار داده‌ایم که از خودرو کوچکتر است و سریع‌تر خودش را به محل آتش‌سوزی می‌رساند. بازدیدیهایی را دائماً از سراها و پاساژها داریم، و موارد دیگر.»
با اینهمه، هنوز آتش‌سوزی تهدیدی جدی برای بازارهای تاریخی محسوب می‌شود و کم شدن سایه این تهدید مستلزم برنامه‌ریزی درست و دقیق از سوی متولیان امر و همکاری دستگاه‌های مربوطه است.

نوبت دوم

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان الیگودرز- سری (۷۳) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی الیگودرز مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلاعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد.
در صورتی‌که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت‌اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید
در صورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست
۱- تقاضای «یعقوب بهمنی» فرزند «جمعه» نسبت به «شش‌دانگ یک باب عمارت مسکونی» به مساحت «۱۰.۷۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره ۳۳۳۱ فرعی از ۷۶ اصلی واقع در بخش ۳ خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی برومند» ۲- تقاضای «هما عیسوند دهداری» فرزند



بخش ۳ خروجی از مالکیت مالک اولیه «ورات پالانی جعفری»

۷-تقاضای «شهلا گودرزی» فرزند «حسن» نسبت به شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار به مساحت ۵۰۷/۵۷ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره ۲۴۵۷ فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش ۳ خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن گودرزی»

۸- تقاضای «اعظم گودرزی» فرزند «حسن» نسبت به شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار به مساحت ۵۰۷/۵۶ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره ۲۴۵۷ فرعی از ۷۶ اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن گودرزی»

۹-تقاضای «مریم گودرزی» فرزند «حسن» نسبت به شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار به مساحت ۵۰۷/۵۷ مترمربع مجری شده از پلاک شماره ۲۴۵۷ فرعی از ۷۶ اصلی واقع در بخش ۳ خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن گودرزی»

۱۰-تقاضای «مصطفی گودرزی» فرزند «حسن» نسبت به شش‌دانگ زمین مزروعی آبیزار، به مساحت ۵۱۳/۱۹ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره ۲۴۵۷ فرعی از ۷۶ اصلی واقع دربخش ۳ خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن گودرزی»

سیدرضا بطحانی

رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک الیگودرز

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

شناسه آگهی: ۱۹۲۵۵۴۶
م الف: ۵۶۷۷

نوبت دوم



آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان ازنا (۱۴۷)

(عبسی جانبزرگی)

۲-تقاضای آقایان مهدی عباس و حسین حاجی‌وند فرزندان اله رحم هر کدام نسبت به ۲ دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۸۴۸/۵۶ متر مربع تحت پلاک ۳۶۰ فرعی از ۴۷ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت اله رحم حاجی‌وند

۳-تقاضای آقای حسین حاجی‌وند فرزند اله رحم در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۱۰/۵۴ مترمربع تحت پلاک ۳۵۸ فرعی از ۴۷ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت متقاضی ۴-تقاضای آقای عباس حاجی‌وند فرزند اله رحم در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۰۹/۹۹ مترمربع تحت پلاک ۳۵۷ فرعی از ۴۷ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت متقاضی ۵- تقاضای آقای مهدی حاجی‌وند فرزند اله رحم در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۳۱۲/۳۴ متر مربع تحت پلاک ۳۵۶ فرعی از ۴۷ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت متقاضی

۶-تقاضای آقای اله رحم حاجی‌وند فرزند مدد در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۳۰/۸۱ متر مربع تحت پلاک ۳۵۹ فرعی از ۴۷ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت متقاضی

۷-تقاضای آقای هیبت اله مرادی فرزند جعفرقلی در شش‌دانگ ۲ قطعه زمین مزروعی

به مساحت‌های ۹۵۳۶۸/۱۶ و ۴۵۴۷/۷۶ متر مربع تحت پلاک‌های ۷۲و۷۳ فرعی از ۶۵ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت (صفر جمشیدی) ۸-تقاضای آقای احمد تیموری فرزند علی در شش‌دانگ ۱۴ قطعه زمین مزروعی بمساحت های ۱۶۷۸۶/۴۳-۵۵۹۰/۰۶ - ۱۷۶۱۱/۶۸ - ۱۰۷۹/۵۸-۲۳۶۷۹/۶۶-۵۶۶۷/۱۶-۳۰۹۷/۷۳-۲۱۸۱۷/۳-۲۹۴۳/۶۶-۲۴۶۳۲/۵۸-۱۶۲۲/۲۹-۸۴۸۷/۲۶-۲۹۴۴/۹۷-۳۴۰۱۷/۷۲ متر مربع تحت پلاک‌های ۱۱۱۴۰ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۶۵/۱۶۴ فرعی از ۵۸ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت ورثه صفرعلی قربانی وعلی تیموری ۹-تقاضای آقای محمد ایرانشاهی فرزند حبیب اله در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۳۷/۷۰ متر مربع تحت پلاک ۶۹۸۲ فرعی از ۳۹ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت رسمی (صبا فولادوند) ۱۰-تقاضای آقای احمد رضا جانبزرگی فرزند علی میرزا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۰۶۸/۱۹ متر مربع تحت پلاک ۱۷۱۴ فرعی از ۲۷ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت رسمی (علی میرزا جانبزرگی)

عبداله فتاحی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ازنا

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۰۲/۳۱

شناسه آگهی: ۱۹۲۵۲۷۹

خبر

انتقاد به مدیریت نادرست ۶۰ ساله جنگل‌های زاگرس



معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست از روند زوال جنگل‌های زاگرس طی ۶۰ سال گذشته بدلیل مدیریت نادرست، بهره‌برداری بی‌رویه و فشارهای انسانی خبر داد و خواستار بازنگری اساسی در شیوه‌های مدیریتی حفاظت از طبیعت شد.

حمید ظهرابی در نشست «کارکردها، تنوع زیستی و ارزش‌گذاری اقتصادی زاگرس» با اشاره به وضعیت بحرانی این منطقه، گفت: «در شش دهه گذشته با روش‌های بهره‌برداری ناپایدار، از جمله چرای بی‌رویه دام و تولید غیرقانونی ذغال، جنگل‌های زاگرس را به‌سمت نابودی سوق دادیم.»

او افزود: «نوده‌های جنگلی زاگرس طی این مدت تا چهار متر کاهش یافته‌اند و در بسیاری از نقاط، توان زادآوری خود را از دست داده‌اند. در بازیدها به ندرت نهال‌های مختلف بلوط در سنبلین مختلف دیده می‌شود، مگر در برخی مناطق حفاظت‌شده.»

ظهرابی با تأکید بر اینکه زاگرس یکی از دو نقطه داغ تنوع زیستی ایران است، گفت: «مهمترین خصوصیات زاگرس درخت بلوط است، در کنار بلوط درختان بنه و زلزالک هم در رویشگاه های زاگرس دیده می شود، این منطقه به عنوان یکی از کانون های داغ تنوع زیستی ایرانی – آناتولی ثبت شده است، حدود ۲۳ دهم میلیون هکتار محدوده زاگرس جزو مناطق تحت حفاظت محیط زیست است که به عنوان مناطق چهارگانه می‌شناسیم، حدود ۷۵۰ هزار هکتار هم مناطق شکار ممنوع است که به نوعی مدیریت حفاظت در آنها اعمال می شود. در مجموع بیش از سه میلیون هکتار از محدوده زاگرس تحت حفاظت سازمان محیط زیست است که یک میلیون هکتار یعنی ۲۰ درصد آن جنگل است.»
به‌گفته او، عواملی چون تغییر اقلیم، فشارهای اقتصادی، گسترش آفات و بیماری‌ها، و آتش‌سوزی‌های عمدی، همگی در فرسایش و تخریب این اکوسیستم نقش داشته‌اند و «در برخی مناطق زاگرس، تنها در یک فصل بیش از ۵۰ آتش‌سوزی ثبت شده است.» او بر لزوم حرکت به‌سوی حفاظت مشارکتی تأکید کرد و گفت: «روش‌های مدیریتی گذشته موفق نبوده‌اند، چرا که برخی گروه‌ها از فرایند حفاظت حذف شده‌اند. راه‌حل پایدار، مشارکت واقعی همه ذی‌نفعان محلی در مدیریت منابع طبیعی است. باید از مدل‌های جهانی حفاظت تنوع زیستی که بر پایه سه اصل حفاظت، بهره‌برداری پایدار و توزیع عادلانه منافع بنا شده‌اند، الگو بگیریم.» او در پایان تأکید کرد: «روش‌های مدیریتی فعلی که مشارکت جامعه محلی را نادیده می‌گیرند، ناکارآمد بوده‌اند. اگر تغییر نکنیم، جنگل‌های زاگرس را به طور کامل از دست خواهیم داد.»



—

[۶]

نگاهی به رویدادهای مد و فشن که با وجود نوآوری هنوز در اجرا و محتوا ضعیف است

فشن ایرانی بازتاب امید و آشفتمگی

بیشرفت صنعت مد و فشن و پرداختن به مقوله‌های مربوط به دیزاین در سال‌های اخیر، توجه علاقه‌مندان این حوزه را به خود معطوف کرده است، تا جایی که به‌نازگی برنامه‌ها و رویدادهای زیادی در این زمینه برگزار می‌شود. رویدادهای مد و فشن در ایران اتفاقی ناهاند و کم‌کم تقویم سالانه این رویدادها درحال شکل‌گیری است. اما اگر بخواهیم در استانداردهای جهانی بستنیم، فشن‌ایونتهای ایرانی شبیه کودکی است که تازه راه‌رفتن یاد گرفته؛ هیجان‌انگیز، اما پر از زمین‌خوردن.

همه‌چیز معمولاً با یک دعوت‌نامه شروع می‌شود؛ ساده یا رسمی، با طراحی‌های خاص یا فقط یک پیام در واتس‌آپ. لوکیشن‌ها متنوع‌اند؛ از سالن‌های فرهنگی گرفته تا خانه‌های تاریخی، گالری‌ها یا حتی سوله‌هایی که یک‌شنبه به سالن مد تبدیل می‌شوند. برگزارکننده‌ها اغلب ترکیبی از طراحان جوان، آژانس‌های تبلیغاتی خلاق و گروه‌های مستقل مد هستند؛ جایی میان علاقه، دغدغه و جسارت. اما برگزاری یک ایونت مد در ایران فقط بهمعنای چیدن صندلی‌ها و دوخت و نمایش لباس‌ها نیست. پشت هر ایونت و رویداد، لایه‌هایی از چالش‌های فرهنگی، قانونی و گاه اقتصادی وجود دارد. اینکه چطور با عرف جامعه هماهنگ شود و درعین‌حال، صدای تازه‌ای به فشن ایران اضافه کند، یک‌جور پنداری دائمی میان خلاقیت و محدودیت است.

طراحان در شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌کنند. فروشگاه‌های آنلاین و مزون‌های کوچک، خط بعدی این مسیرند. به‌عنوان مثال، همین چند روز پیش نخستین دوره نمایشگاه «اکسیو دیزاین ایران» با عنوان اختصاری «ایدکس» در تهران بعد از سه روز برگزاری به پایان رسید؛ رویدادی تازه‌نفس که به‌نظر می‌آمد طراحی ایرانی را از حاشیه بیرون بکشد و آن را به قلب جریان‌های خلاق، تولیدی و اقتصادی کشور وصل کند. این رویداد با همراهی مجموعه‌ای از نهادهای فرهنگی، دانشگاهی و بخش خصوصی برگزار شد و به‌گفته مسولان برگزارکننده آن، صرفاً فضایی برای نمایش آثار نبود؛ بلکه بستری برای گفت‌وگو، تبادل‌نظر و تولد ایده‌های تازه در حوزه‌های مثل طراحی صنعتی، طراحی محصول، مد و فشن، طراحی گرافیک، بسته‌بندی، طراحی خدمات و فضا و البته طراحی پایدار بود.

در این نمایشگاه بیش از ۸۰ طراح، برند و استودیو ایرانی از مبلمان شهری و تجهیزات کاربردی گرفته تا پوشاک مفهومی، طراحی دیجیتال و تجربه کاربری حضور داشتند و نشست‌ها، پنل‌های تخصصی و کارگاه‌هایی نیز برگزار شد.

«اکسیوها، نمایشگاه یا رویدادهایی هستند که هر چندسال یک‌بار، بسته به بازه زمانی تعریف‌شده برگزار می‌شوند؛ صحنه‌ای برای نمایش آخرین دستاوردها در حوزه موضوع مورد نظر؛ فرهنگی، اجتماعی و علمی با اهداف تعریف و تبیین‌شده در قامت نمایش توانمندی‌ها، افزایش و ارتقای تبادل‌ات. اکسیوی دیزاین ایران که به‌گفته برگزارکنندگان آن، عنوان نخستین را نیز یک می‌کشد، با فراخوان عمومی و با هدف پی بردن به این‌ها در رشته طراحی است؛ رویدادی طراحی‌محور، برای معرفی و نمایش طراحی‌های خلاقانه در حوزه‌های فشن، هنرهای تجسمی، معماری و طراحی محصول. مفهومی نه‌فقط منطبق‌بر زیبایی، بلکه برای مطرح کردن چالش‌ها در کنار ارائه راهکارهای اجتماعی بین‌رشته‌ای با فصل مشترک دیزاین.»

این‌ها صحبت‌های «شویا نظری تیرایی» است که هنرمند، پژوهشگر مد و پژوهشگر حوزه سوزن‌دوزی‌های ایران و ملل است. او درباره چگونگی برگزاری این نمایشگاه می‌گوید: «این رویداد در مجموعه کاخ‌موزه نیاروان در معرض تماشای علاقه‌مندان قرار گرفت. غرفه‌ها و محل‌های نمایش ایده و محصول، در سه بخش دانشجویی، حرفه‌ای و اختصاصی، قیمت‌گذاری شد و در اختیار طراحان قرار گرفت. شاخه‌های لباس، کیف و کفش، زیورآلات و پارچه‌سازی از بخش‌هایی بود که در فراخوان عمومی به آن اشاره و درخواست شده بود.»

به‌گفته او، مراسم افتتاحیه این رویداد با بیش از دو ساعت تأخیر برای بازدید آغاز به کار کرد؛ بدون اطلاع‌رسانی قبلی و حتی بدون غرفه‌سازی از تعداد بسیاری که پشت درهای بسته کاخ‌موزه سرگردم شده بودند، حتی بدون اینکه به آنها اجازه ورود رایگان از در نمایشگاه داده شود. در عوض، به حضار پیشنهاد کردند به وزودی عمومی کاخ‌موزه بروند و بلیت تهیه کنند. بدتر آنکه برای توضیح به افراد منتظر پشت درهای بسته، متذکر می‌شدند که مراسم افتتاحیه، خصوصی است و شاید اجازه داده شود که یکی دو نفر، از افراد غیر مدعو نیز به محوطه، داخل شوند.

این پژوهشگر حوزه هنر می‌گوید: در عصر حاضر، شبکه‌سازی و گسترش روابط

اجتماعی، دانشی تخصصی و رویه‌رشد است و اهمیت به ساختارها و اجزای آن، نه از جنبه فردی بلکه از اولویت‌های مهم برنامه‌ریزی در فرم‌های کلان است. او با تأکید بر اینکه شبکه‌سازی قدرتمند از عوامل تأثیرگذار در موفقیت‌های شغلی است، ادامه می‌دهد: «دیزاین» در بخش مد و لباس این رویداد مورد نظر بوده است، نامشخص است.»

به‌اعتقاد نظری تیرایی، در این رویداد طراحی‌های فینالیست بخش مد و فشن، ایده‌های خلاقانه خود را با آرایه‌های تزئینی به‌کاررفته بر روی لباس و تزئینات منزل و محل کار، نظیر تکنیک‌ها و شاخه‌های متفاوت سوزن‌دوزی به تصویر کشیدند. این تکنیک‌ها شامل نقاشی روی پارچه، چاپ دستی و اکوپرینت، طراحی و پارچه‌سازی، منطبق با فرهنگ ایران و غیر ایران و گاه، تلفیق با سوزن‌دوزی و کلاژ بود. این طراحی‌ها به‌لحاظ کاربرد صحیح و به‌جای تکنیک‌های دوخت، از منظر مکان و انطباق با موضوع، دستی و شایسته تقدیر بودند و نشان از آگاهی تیم و برند نمایش‌دهنده با انواع تکنیک‌های دوخت و جای‌گذاری مناسب آنها داشتند.

بیانیه این رویداد، طراحی ایرانی را «طراحی سنتی» نمی‌داند، اما آنچه به آن توجه نشده این است که تعریف سنت لزوماً بر گذشته دلالت ندارد و منطبق با آداب و رسوم گذشته نیست. عضو رسمی انجمن صنفی آرایه‌های تزئینی مد و لباس کشور در این‌باره می‌گوید: «استفاده از این واژه در شکل گذشته آن، از بار علمی شاخص‌های انتخاب آثار نیز کاسته است. سنت به‌معنای آداب و رسوم متداول در جامعه مورد تمرکز در هر دوره تاریخی، می‌تواند شامل‌ده و اساس طراحی لباس در آن دوره باشد. آنچه نیاز مبرم امروز است، بررسی و توجه به آداب، رسوم و حتی تحولات اجتماعی اکنون و گرتبه‌برداری معنایی در قالب فرم از آرایه‌های نقش‌بسته بر لباس اقوام یا ادوار دیروز است. با این دیدگاه علمی، طراحی سنتی و طراحی ایرانی، معنای دقیق‌تری خواهد داشت و جز با آگاهی از دقایق و ظرفیات اجتماعی، فرهنگی و تاریخی در دوره‌های مختلف تاریخ و مناطق جغرافیایی، بدست نمی‌آید.»

نظر این پژوهشگر بر این است که در این رویداد، لباس‌ها و به‌ویژه آرایه‌های تزئینی‌شان، نظیر الهام و روایت براساس فرش ایرانی و لباس اقوام ایران کوششی نه‌چندان موفق برای طراحی منطبق با فرهنگ ایران بود؛ از جمله استفاده از ماشین‌های دوخت، مواد بی‌کیفیت اولیه و ناسازگار با محیط‌زیست در روزگاری که نقطه و پیکان توجه در صنعت مد و فشن بر پایداری است. به‌گفته او، پایداری نه‌فقط از نقطه‌نظر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با طبیعت، بلکه شناخت قوانین و قواعد زیست‌بوم، به‌لحاظ جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه فرهنگی بومی و استفاده هوشمندانه از قوانین و قواعد است.

در بخش دیگری از این رویداد تجارب ناموفق گرتبه‌برداری از پوشاک اقوام به‌وضوح قابل‌مشاهده بود. اما در اینجا از سوزن‌دوزی و لباس قوم بلوچ و سیستان‌ها، با آن قدرت و زیبایی و ظرافت که سال‌های گذشته توسط طراحان لباس ایرانی، با طراحی‌های ببروز و انتخاب تالیته‌های رنگی مطابق با احوال روز به‌کار برده می‌شد، خبری نبود. «در لباس و اکسسوری‌های به نمایش درآمده در این رویداد، از نظر تکنیک‌های دوخت، انتخاب پارچه و اجرا شاهد سطح کیفی نازل بودیم.

چمنچین در بخشی از لباس‌ها، به‌کار بردن ناهنجای المان‌های تزئینی برگرفته از لباس اقوام، نشانگر نبود اطاعت دیزاین بود. به‌عنوان مثال، در طراحی الهام‌گرفته از لباس اقوام، آیینه‌دوزی‌ها ماشینی و بدون توجه به اصالت آنها انجام شده بود. درحالی‌که منطبق با «دیزاین» به‌معنای روش تفکری، یک فرایند و نیز یک محصول، خدمت یا نوعی ارتباط ویژه با مخاطب؛ دیزاینر، علاوه‌بر داشتن هنر در شاخه مورد نظر، باید به داده‌ها و اطلاعات و سوابق تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نیز آگاه و مسلط باشد.»

نکته اساسی و کلیدی این است که اگر در لباس قومی ایران از تکنیک خاصی استفاده شده، حتماً دلایل ویژه‌ای داشته که برگرفته از قدرت حافظه و تجارب جمعی آن قوم است.

بنابراین، اگر قرار به استفاده از آن تکنیک در لباس امروز با طراحی روز است، دانستن این دلایل لازم و ضروری است. آگاهی و اطلاعات می‌تواند مانع کاربرد ناهنجای تکنیک‌های خاص قومی به‌لحاظ معنایی، جاگذاری آرایه‌ها و زیبایی‌شناسی آنها باشد.

به‌نظر این محقق هنر سوزن‌دوزی ایرانی، انتخاب پارچه بدون توجه به هویت هماهنگ با آرایه‌های تزئینی به‌ویژه در لباس‌های برگرفته از آرایه‌های لباس اقوام از دیگر فاکتورهایی بود که از ارزش طراحی آن لباس تا حد زیادی کاسته بود.

نکته اکسیوی طراحی ایران در مقایسه با نمونه‌های بین‌المللی
اگرچه ایدکس هنوز در ابتدای راه است، اما نمی‌توان آن را بدون نگاه به نمونه‌های بین‌المللی ارزیابی کرد. مقایسه این نمایشگاه با رویدادهای مطرح جهان نشان می‌دهد که باید پشتیبانی مداوم، تداوم برگزاری و پیوند با جریان‌های جهانی طراحی را جدی بگیرد. میلان، پایتخت طراحی جهان، سالانه با میزبانی صدها هزار بازدیدکننده از سراسر دنیا، پرتیرنی است برای بزرگترین نوآوری‌ها در طراحی صنعتی، فشن، مبلمان و هنر مفهومی. ایدکس فاصله بسیار زیادی با میلان دارد، نه‌فقط از نظر وسعت و برندینگ بین‌المللی، بلکه از نظر زیرساختی. اما نقطه قوت ایدکس، تمرکز بر طراحی بومی و بیدار کردن ظرفیت‌های داخلی است؛ مسیری که می‌تواند به خلق یک هویت مستقل و ایرانی در طراحی منجر شود.

هفته طراحی هلند «آیندهون» نیز از دیگر نمایشگاه‌های مشهور دنیاست. رویدادی که شهرتش را مدیون نگاه پژوهش‌محور، توجه به پایداری و رویکرد آینده‌نگر است. در این نمایشگاه، طراحی صرفاً زیبایی‌شناسی نیست، بلکه ابزاری است برای تغییر اجتماعی و فرهنگی. ایدکس هم باید تلاش کند طراحی را به مسائلی چون توسعه پایدار و اقتصاد خلاق پیوند بزند. هرچند هنوز این نگاه در حال شکل‌گیری است، اما حضور دانشگاه‌ها و بخش‌های تحقیقاتی در اولین دوره ایدکس نشانه‌ای امیدوارکننده است. هفته طراحی سئول کرجونیوم نیز در ترکیب تکنولوژی، فرهنگ بومی و حمایت همه‌جانبه نهادهای شهری و دولتی، باعث شد سئول به اولین رویداد موفق در آسیای شرقی تبدیل شود. این رویداد طراحان را از فضای گالری‌ها بیرون می‌کشد و به خیابان، شهر و زندگی روزمره پیوند می‌زند. رویدادهای ایرانی، چون ایدکس، هنوز فاصله زیادی با چنین سطحی از دیدلماسی فرهنگی و حمایت شهری دارند، اما پتانسیل آن را دارند که نسخه‌ای ایرانی از پیوند طراحی و فضاهای شهری را توسعه دهند.

یادداشت

رسیدن به آینده سبز با مد پایدار

است؛ اما واقعیت این است که تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های بانکی، اجرای بسیاری از این پروژه‌های بزرگ را با مشکل مواجه کرده‌اند.

پس چه باید کرد؟ پاسخ، در یک کلمه خلاصه می‌شود: مردم. مشارکت اجتماعی یعنی مردم با آگاهی و انگیزه در مسیر توسعه پایدار قدم بردارند. این مشارکت می‌تواند به اشکال مختلف ظهور کند؛ انتخاب مصرف آگاهانه و حمایت از برندهای پایدار، راه‌اندازی استارت‌آپ‌های کوچک در حوزه بازیافت، مد پایدار و تولید سبز، آموزش همسالان و کودکان در زمینه محیط‌زیست، همکاری داوطلبانه در پروژه‌های بازیافت و آگاهی‌بخشی، مطالعه‌گری از مسئولان برای اجرای سیاست‌های محیط‌زیستی.

در صنعت مد نیز تغییر رفتار خرید از خرید بی‌رویه به مصرف مسئولانه، انتخاب لباس‌های باکیفیت‌تر، تعمیر لباس‌های موجود و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک می‌تواند تأثیر شگرفی بر کاهش آسیب‌های محیط‌زیستی داشته باشد.

هر قدم کوچک، در مقیاس اجتماعی، به موجی از تغییرات مثبت تبدیل می‌شود. نوآوری اجتماعی؛ خلق راهکارهای خلاقانه با منابع محدود، نوآوری اجتماعی به معنای یافتن راهکارهای جدید، خلاقانه و کم‌هزینه برای حل چالش‌های اجتماعی و محیط زیستی است. در شرایط محدودیت اقتصادی، نوآوری اجتماعی می‌تواند مسیریهای جایگزین ایجاد کند؛ راهایی همچون ایجاد مراکز جمع‌آوری لباس‌های دست‌دوم و بازیافت منسوجات، برگزاری کمپین‌های مردمی برای آموزش مصرف مسئولانه، تولید

محصولات از ضایعات نساجی و پسماندهای شهری، طراحی لباس‌های چندکاره و بادوام با منابع داخلی و همچنین استفاده از هنر، رسانه و روایتگری برای ترویج فرهنگ مصرف مسئولانه. نوآوری اجتماعی، هنر ساختن امید از دل محدودیت‌هاست. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شهر پایدار، مدیریت درست منابع، تولید کمتر زباله و ارتقای فرهنگ مصرف مسئولانه است. مد پایدار می‌تواند از فشار بر منابع آب و خاک بکاهد، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد؛ پسماند نساجی شهری را مدیریت کند؛ مشاغل محلی و خلاق ایجاد کند و این مسیر، بدون مشارکت فعال مردم و بدون پذیرش نقش هر فرد در تغییر ممکن نیست. در جهانی که سرمایه‌های عظیم اقتصادی گاه دست‌یافتنی نیستند، مردم بزرگ‌ترین سرمایه‌یاند. مشارکت اجتماعی، آموزش عمومی، تغییر رفتارهای مصرفی و نوآوری‌های خلاقانه، می‌تواند کشور ما را حتی در شرایط دشوار، به سوی توسعه‌ای سبزتر و آینده‌ای پایدارتر هدایت کند.

صنعت مد پایدار، تنها یک بخش از این پازل بزرگ است؛ اما نقشی حیاتی در تغییر فرهنگ مصرف، ارتقای اقتصاد محلی، و حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آینده ایفا می‌کند. آینده‌ای سبز، نه با انتظار برای سرمایه‌های کلان، که با تصمیم‌های کوچک امروز ما ساخته می‌شود.

این میان، «اولین کارزار مد و محیط زیست ایران»، با آگاهی رساندن درباره ارتباط مد به آلودگی محیط زیست، گامی است که مطالبه‌گری اصلی آن به آموزش و مشارکت اجتماعی اختصاص دارد. شرکت اجتماعی می‌تواند مسیریهای جایگزین ایجاد کند؛ راهایی همچون ایجاد مراکز جمع‌آوری لباس‌های دست‌دوم و بازیافت منسوجات، برگزاری کمپین‌های مردمی برای آموزش مصرف مسئولانه، تولید

شناسه آگهی: ۱۹۳۳۹۲۰



وزارت راه و شهرسازی

سازمان بنادرو دریانوردی

اداره کل بنادرو دریانوردی استان بوشهر

((آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مشاوران))

شماره سامانه ستاد ۰۸۰۰۰۰۰۰۲۷۰۴۰۳۲۰۰۴

سازمان بنادر و دریانوردی / اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

نام کارفرما: اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

نشانی: بوشهر – انتهای بزرگراه طالقانی – اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر – کد پستی ۷۵۱۷۶۳۸۴۸۰

موضوع خدمات مشاوره: بازرنگری و به‌روزرسانی اسناد مطالعات مرحله دوم و انجام خدمات پیش از اجرا، حین اجرا و پس از اجرای پروژه

تعمیرات اساسی ساختمان ترمینال مسافری بندر گناوه

گواهینامه صلاحیت حسب مورد و رشته و یا زمینه تخصصی مشاور: پایه سه گروه مهندسی معماری در تخصص‌های ساختمان

محل، مهلت و نحوه دریافت اسناد: از تاریخ درج آگهی (روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰) تا ساعت ۱۷:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ با مراجعه به سایت (setadiran.ir) اسناد ارزیابی کیفی را دریافت نمایند.

– **محل و مهلت تسلیم پاکت پیشنهاد‌ها:** مشاوران باید پیشنهادهای خود را به‌صورت الکترونیکی در سامانه ستاد به آدرس (setadiran.ir) تا ساعت ۱۷:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ بارگذاری نمایند.

– **محل و زمان بازگشایی پاکت پیشنهاد‌ها:** پیشنهادهای مشاوران راس ساعت ۰۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۱ در محل ساختمان مرکزی به آدرس کارفرما مفتوح خواهد شد .

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

عکس نوشت

عکاس: محمد بابایی - برنا



«مسعود دستور»، معلم مدرسه عشایری روستای «آب شیرین»، هم‌زمان در سه پایه مختلف برای «نازنین زهرا» دوم ابتدایی، «ایسان» پنجم ابتدایی، «پهنوش» پایه سوم در حال تدریس است. این روستا در بخش «ارم» شهرستان «دشتستان» قرار دارد و مدرسه آن زیر نظر آموزش و پرورش عشایری استان فارس اداره می‌شود.

سینما

«خلیل» راهی جشنواره فیلم فرانسه شد

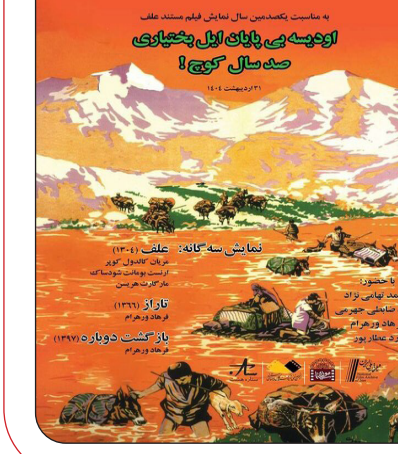
فیلم کوتاه «خلیل» به نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی «سید پیام حسینی»، به بیست و سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم Plein la Bobine در کشور فرانسه راه یافت. این جشنواره که ویژه نمایش فیلم‌های کوتاه برای مخاطبان نوجوان است، از ۱۴ تا ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ برگزار خواهد شد. بازیگران این فیلم کوتاه عبارت‌اند از: «طاها چراغی»، «امید چراغی»، «طاها محمدی»، «حسین مرادی»، «موسی هدایتی» و «شوبو سلیمانی». پخش بین‌المللی این اثر بر عهده گروه «دریچه سینما» و مؤسسه «پناه فیلم» است. | ایانا



مستند

نمایش سه‌گانه کوچ بختیاری در موزه سینما

فیلم‌های سه‌گانه کوچ بختیاری شامل «علف»، «تا راز» و «بازگشت دوباره» امروز از ساعت ۱۵ تا ۲۰ در موزه سینما به نمایش درمی‌آیند. فیلم «علف» که صدسال پیش در سال ۱۳۰۴ توسط «میران کالدول کوپر»، «ارنست بومانت شودساک» و «مارگارت هریسن» در ایران ساخته شد، سندی سینمایی از زندگی مردم ایل بختیاری به‌شمار می‌رود. فیلم «تا راز» در سال ۱۳۶۷ و «بازگشت دوباره» در سال ۱۳۹۸ هر دو توسط «فرهاد ورهرام» ساخته شده‌اند. حضور در این نشست برای عموم آزاد و رایگان است. | مهر



گزارش

نگاهی به فیلم «یادداشت‌های زیرزمینی» با پرداختن به معضلات فرزندان نامشروع

جرمشان این است؛ تولد!

روایت احسانی مشابه روایت فیلم کوتاهی است که روز سه‌شنبه اردیبهشت‌ماه در خانه اندیشمندان علوم انسانی اکران شد. «یادداشت‌های زیرزمینی» ساخته «عباس شکوری» و با بازی «رضا کبابیان» براساس یکی از پرونده‌های واقعی این قاضی فیلم‌ساز است. در برنامه اکران این فیلم که تلنگری است به قوانین موجود درباره فرزندان نامشروع، احسانی بار دیگر سرگذشتش را روایت کرد. شکوری از دلیل ساخت این فیلم گفت و «هادی وحید»، دکترای فلسفه و حقوق و استاد دانشگاه، درباره لزوم تغییر قوانین سخنرانی کرد.

پیشانی دعوت کردیم در این برنامه داستان زندگی‌شان را روایت کنند؛ زیرا ما این فیلم را برای افرادی ساختم که جامعه قضات با ملزم کردند طبق قوانین، وارد این حیطه شوند.» او اشاره کرد هدف از ساخت چنین فیلمی این بود که چالش قضات با چنین مصداق‌های نشان داده شود: «البته لطمه‌ای که خانم احسانی در پرونده دادگاه دیده‌اند، کاملاً منطبق بر این چالش نیست؛ اما نگاه و فشاری که از سوی جامعه تحمل کرده، همان بود که درباره نوزاد این فیلم پیش‌بینی می‌کردم. تفاوت دیگری که این پرونده با زندگی خانم احسانی داشت، این بود که او توانست با تست دی‌ان‌ای به حاشی برسد، اما در پرونده مربوط به این فیلم، ماجرا متفاوت بود و تست دی‌ان‌ای لطمه می‌زد.» این قاضی درباره پرونده فیلم توضیح داد: «طبق

تلاش برای رسیدن به یک هویت

او توضیح داد در این چند روز دست‌ها و پاهایش به‌شدت آسیب دیده بودند و در نهایت به بهزیستی تحویل داده شد: «در نهایت خانواده‌های مذهبی من را به سرپرستی گرفتند.» چهارسالگی آغاز ماجراهایی بود که سرنوشت باقی زندگی این زن تا شصت‌سالگی‌اش را رقم زد: «خانواده‌های پدر و مادرم اصرار داشتند که من بچه نامشروع هستم و باید تحویل بهزیستی داده شوم. می‌گفتند ما نماز می‌خوانیم و او نجس است.» چنین تعبیری از نامشروع‌بودن عاملی شد تا او از همان سنین کودکی از همه‌جا طرد شود: «مادرم خیاط بود. پرستاری داشتم که بعداً زهرها خادم مسجد بود. من را با خود به مسجد می‌برد، اما به من اجازه ورود به مسجد را نمی‌دادند. سه‌چهار در داشت. از هر دری وارد می‌شدم، اجازه نمی‌دادند. آن موقع نمی‌فهمیدم معنی‌اش چیست.» او از آزار فیزیکی گفت که از همان کودکی به‌دلیل نامشروع‌بودن در مدرسه از سوی مدیر دیده است: «در صف صبحگاهی مدرسه مدیران من را بالای سکو آورد و به بچه‌ها گفت که این بچه «حرام‌زاده» و «سرراهی» است. به بچه‌ها گفت که اگر ببینم کسی با او صحبت کند، اخراجش می‌کنم. بعد هم من را از بالا پرت کرد پایین؛ دو هفته مدرسه نرفتم.» از همان روز تمام دیوارهای کوچ‌شان پر شد از کلمه «سرراهی». واژه‌ای که روی ازدواجش هم تأثیر گذاشت و حالا حتی فرزندانش هم او را ترک کرده‌اند: «هنوز دارم تاوان این برچسب را با خودم می‌کشم. من امروز اینجا آمدم تا شاید صدای من صدای خیلی از بچه‌هایی باشد که این برچسب را با خود دارند.»

مسئولیت دولت چیست؟ سخنران بعدی «هادی وحید» بود و از لفظ و واژه‌های صحبت کرد که درباره این کودکان حاصل از روابط نامشروع استفاده می‌شود: «مشروع و نامشروع بازی زبانی قانونگذار است. این دو واژه ساخته ذهن قانونگذارند و ربطی به حقیقت بیولوژیک یا اخلاق مطلق ندارند. در گذشته بسیاری از کشورها شرایطی مشابه ایران داشتند، اما به‌تدریج این الفاظ را کنار گذاشتند؛ بدون آنکه واقعیت‌های انسانی تغییر کند. درواقع، آنچه «مشروع» یا «نامشروع» خوانده می‌شود، تابع سیاست، دین و منافع قدرت است.»

بیم امواج سهمگین

کتاب «بیم امواج سهمگین: پیش‌به‌سوی شفافیت و شهادت اخلاقی در دوران تغییرات اقلیمی» نوشته «کاتلین دین مور»، اثری درخشان در پیوند فلسفه، اخلاق و محیط‌زیست است که با زبانی ادبی و روایتی گیرا، مخاطب را به تأملی عمیق درباره مسوولیت انسان در برابر زمین فرامی‌خواند. این کتاب را «نیسان فروزین» ترجمه کرده و انتشارات «چرخ» به چاپ رسانده است. مور، فیلسوف طبیعت‌گرایی معاصر، در این کتاب به‌دور از عزلت‌گزینی کلاسیک طبیعت‌نویسان، به کنش اخلاقی در دل بحران محیط‌زیستی فرامی‌خواند و صدایی روشن و اخلاقی در بچیوه‌انکار و بی‌عملی جهانی بلند می‌کند.

او با الهام از آموزه‌های دانشمندانی چون «راشل کارسون»، با نثری شاعرانه و درعین‌حال متعهد، خواننده را با واقعیت‌های تلخ تغییرات اقلیم و مسوولیت اخلاقی هر فرد مواجه می‌سازد. این کتاب در سال ۲۰۱۶، در دوره‌ای که انکار تغییرات اقلیم در حال قدرت‌گیری بود، منتشر شد و شجاعانه در برابر موج عوام‌فریبی و سکوت ایستاد. برآمدن راست‌گرایان افراطی در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی که تغییرات اقلیم را دروغ می‌نامند و هرچه در توان دارند، به کار می‌برند تا محدودیت فعالیت‌های اقتصادی مضر به حال زمین متوقف یا کمینه شود، دقیقاً در همین سال آغاز شد. بیم امواج سهمگین نتجتاً گزارشی از فاجعه‌ای در راه، بلکه فراخوانی برای شهادت اخلاقی است؛ دعوتی برای پاسداری حقیقت، طبیعت و آینده. مور با روایتی گرم، مخاطب را با خود همراه می‌سازد و با بهره‌گیری از اطلاعات علمی، دغدغه‌های اخلاقی و هنر نویسندگی، کتابی آموزنده و الهام‌بخش نوشته است. این اثر، تجربه‌ای است برای درک زرفتر نسبت به زمین، بحران‌های محیط‌زیستی و سهم ما در ساختن یا فروپاشاندن جهان.

کتاب «بیم امواج سهمگین»

زیستن با مسوولیت در برابر زمین دردمند



زمان: دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴، ساعت ۱۸-۲۰
 روزه برای

«با افتخار می‌گویم که هم فرزندخوانده هستم و هم نامشروعم.» اینها آغاز صحبت‌های «سیده فاطمه حسینی عزابادی (احسانی)» زن شصت‌ساله‌ای بود که مدتی پیش در فضای مجازی دست‌به‌دست شد. او در این ویدئو از سرنوشت تک‌نانه‌اش گفت که با وجود فرزندخواندگی تا سال‌ها بعد بدلیل نامشروع‌بودن از جمع‌های مختلف طرد شده است. اما پس از ۴۲ سال جنگیدن برای بازگرداندن هویتش، به‌واسطه طرح شکایت نوانست با آزمایش دی‌ان‌ای ثابت‌کننده که فرزند پدرش است. در نهایت، به‌دلیل آزارروانی که احسانی در طول این سال‌ها به دوش کشید، یک قاضی حکم داد که پدر موظف است ۴۰ درصد دیانش را پرداخت و در روزنامه رسمی از او عذرخواهی کند.

بیم امواج سهمگین

کتاب «بیم امواج سهمگین: پیش‌به‌سوی شفافیت و شهادت اخلاقی در دوران تغییرات اقلیمی» نوشته «کاتلین دین مور»، اثری درخشان در پیوند فلسفه، اخلاق و محیط‌زیست است که با زبانی ادبی و روایتی گیرا، مخاطب را به تأملی عمیق درباره مسوولیت انسان در برابر زمین فرامی‌خواند. این کتاب را «نیسان فروزین» ترجمه کرده و انتشارات «چرخ» به چاپ رسانده است. مور، فیلسوف طبیعت‌گرایی معاصر، در این کتاب به‌دور از عزلت‌گزینی کلاسیک طبیعت‌نویسان، به کنش اخلاقی در دل بحران محیط‌زیستی فرامی‌خواند و صدایی روشن و اخلاقی در بچیوه‌انکار و بی‌عملی جهانی بلند می‌کند.

او با الهام از آموزه‌های دانشمندانی چون «راشل کارسون»، با نثری شاعرانه و درعین‌حال متعهد، خواننده را با واقعیت‌های تلخ تغییرات اقلیم و مسوولیت اخلاقی هر فرد مواجه می‌سازد. این کتاب در سال ۲۰۱۶، در دوره‌ای که انکار تغییرات اقلیم در حال قدرت‌گیری بود، منتشر شد و شجاعانه در برابر موج عوام‌فریبی و سکوت ایستاد. برآمدن راست‌گرایان افراطی در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی که تغییرات اقلیم را دروغ می‌نامند و هرچه در توان دارند، به کار می‌برند تا محدودیت فعالیت‌های اقتصادی مضر به حال زمین متوقف یا کمینه شود، دقیقاً در همین سال آغاز شد. بیم امواج سهمگین نتجتاً گزارشی از فاجعه‌ای در راه، بلکه فراخوانی برای شهادت اخلاقی است؛ دعوتی برای پاسداری حقیقت، طبیعت و آینده. مور با روایتی گرم، مخاطب را با خود همراه می‌سازد و با بهره‌گیری از اطلاعات علمی، دغدغه‌های اخلاقی و هنر نویسندگی، کتابی آموزنده و الهام‌بخش نوشته است. این اثر، تجربه‌ای است برای درک زرفتر نسبت به زمین، بحران‌های محیط‌زیستی و سهم ما در ساختن یا فروپاشاندن جهان.



صدف سرداری | روزنامه‌نگار